

موسم نجات بخش

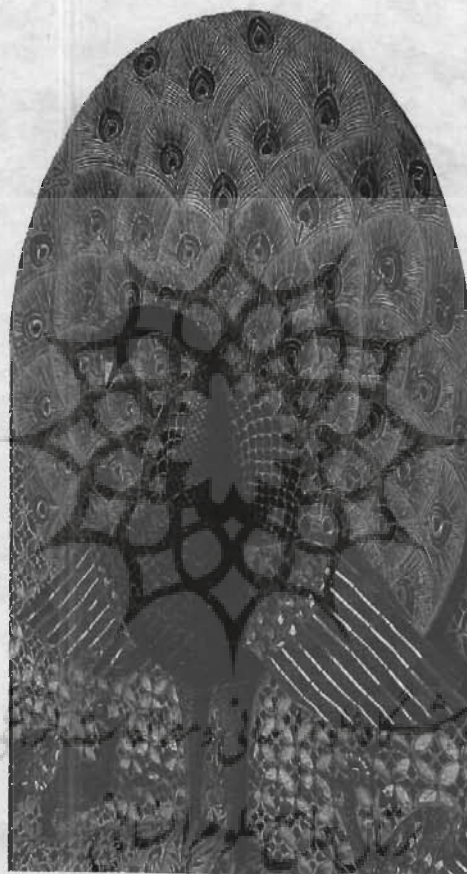
هنگامی که طاووسها فریاد سر می دهند...

نوشته انیس جونگ

هند همه ساله مانند کودکی که برای شیر مادر بی تابی می کند انتظار موسم را می کشد. کودک را سرانجام از شیر می گیرند، ولی بیش از نیمی از سرزمین هند برای بقا همچنان به موسم وابسته است؛ موسم که نمی رسد خاک حاصل نمی دهد. برای اینکه موسم زودتر فرا برسد، ساکنان روستای مادرم آوازخوانان در حالی که سید بزرگی را که بر سر چوبی قرار داشت به دوش می کشیدند جاده های خاک گرفته را زیر پا می نهادند. در سید قورباغه نر چاق و چله ای بر ناز بالشی از برگهای زیتون تلخ نشانده بودند. فریاد «هاسانا هوسانا اویالو» در هوای ساکن سوزان طنین می افکند. کودکان دوان دوان از کلبه های سوخته از تسابش آفتاب بیرون می آمدند و چند قطره آب گر انقدر بر قورباغه نثار می کردند. آنگاه می دیدید که شبانگه آسمان از ابر پوشیده می شد، غرش رعد به گوش می رسید و باران آغاز می شد.

مراسمی از این دست بخشی از میراث فرهنگی کودکان هند است. اما چنین می نماید که دوران معجزات به سر رسیده است. سال گذشته در راجستان با کودک شش ساله ای روبه رو شدم که هرگز باران ندیده بود. مادرش، که زن جوان سی ساله ای بود، به پیر زنان می ماند. قوایش تحلیل رفته بود چون ناگزیر همه روزه پنج کیلومتر راه را برای آوردن آب آشامیدنی زیر پا می نهاد. چاهش مانند چاه سایر مردم منطقه خشک شده بود. موسم چند سال بود که به راجستان پشت کرده بود. علفها سوخته و تمام محصول از دست رفته بود. تنه

زنی در حال حمل آرد در زیر بارانهای موسمی در ایالت بیهار که یکی از ایالات شمال شرقی هند است.



طاووس، برنده ملی هند را اغلب در کنار گریشنا ترسیم می کنند. رقص طاووس نزدیک شدن بارانهای موسمی را نوید می دهد.

درختهای خشک شده گلابی هندی را می بریدند تا از آنها سوخت تهیه کنند. حتی در شهر اجمر، هر چهار روز یکبار آب در لوله ها جریان می یافت آن هم فقط برای چند ساعت. دریاچه آنا ساگر به کاسه ای از شنهای سوزان می ماند. رختشویان ساحلش را ترک کرده بودند. برگرداگرد شهر در اردوگاههای پناهندگان چارباي نحیفی بانگاهی خاموش بر سه می زد؛ مزرعه داران به بهترین حیواناتشان کوم کوم، گرد سرخ رنگ سعد، می مالیدند و سپس رهایشان می کردند. دیگر علفهای وجود نداشت. زنانی که به خدمت اجرای

برنامه های مبارزه با خشکسالی در آمده بودند می گفتند «پول نمی خواهیم غذا می خواهیم». خشکسالی محصول را از میان برده و تورم ایجاد کرده بود. قیمتها به نحو شگفت آوری افزایش می یافتند.

در صفوف انتظاری که در برابر شیرهای آب عمومی تشکیل می شد، مردم به جان هم می افتادند. گله های فیل از جنگلهای خشک شده تامل نادو به منطقه مجاورش، کارناتاکا مهاجرت می کردند. زیر آفتاب بی امان کشتکاران در دشتهای خدایان را به استمداد می طلبیدند، روحانیان با صدایی یکنواخت ماترا (وردهای بودایی) می خواندند تا ابرها بارور شوند و باران آغاز شود؛ اما دانشمندان از خود می پرسیدند چرا نوسانات صوتیشان جو را نمی لرزاند. هواشناسان آسمان را به دقت بررسی می کردند و نتایج را به شکل نمودارهای پیچیده بر کاغذ ترسیم می کردند. تصمیمات بزرگ اقتصادی و فرصتهای پیشرفت مردان سیاسی دستخوش هوا و هوس موسم بود. بقای سرزمینی وسیع به آن وابسته بود.

موسم در هند یکی از فترادهای باران نیست. توفان یا وزش بادهای خروشان هم نیست. موسم فصل است و ریشه عربی دارد. بادهای فصلی که دوبار در سال تغییر مسیر می دهند نشاندهنده و تعیین کننده موسم اند، نه بارش باران. اگر باد از جهت دیگری بوزد باران نمی بارد. موسم تابستانی داریم و موسم زمستانی. ولی فقط بادهای تابستانی که ابرها را از جنوب شرقی با خود می آورند موسم را پدید می آورند که فصلی بارانی است. بیش از موسم لو می وزد که بادی گرم و خشک است، چندین روز خورشید بی امان با گرمایی سوزان

شاعران شمال هندوستان سروده‌اند و در آن احساسات هماهنگ با فصول بیان شده‌اند. در زبانهای گوناگون هند، تعداد ضرب‌المثلهایی که بر اهمیت باران تأکید دارد از شماره بیرون است. این گفته باید از گهاگ، علامه و منجم و شاعر برهن باشد که ضرب‌المثلهای فراوان دارد: «آنگاه که دیگر آب در کوزه خنک نمی‌شود و گنجشکها غرق غبارند و مورچه‌ها در لانه‌های مطمئن تخم‌ریزی می‌کنند، می‌توانید یقین داشته باشید که بارانی سیل‌آسا در شرف باریدن است.» این ضرب‌المثلهامروز هم ورد زبان روستاییان

جواهرنشان عشق بر برکه آسمان شادی می‌درخشیدند؛ چون حلقه گلی بودند که آن را بر دروازه بهشت بنهند یا کمر بند درخشان زیبارویی آسمانی و یا اثری که ناخن عشق روز وداع بر پیکر ابر بر جای بگذارد. ... باران شطرنج باز بود و قورباغه‌های زرد و سبز سربازان پیاده‌ای که بر صفحه شطرنجی مزارع سیراب می‌جهیدند. تگرگها در خشش مرواریدهایی را داشتند که از گردن بند پرندگان آسمانی در غلتیده است.» بعضی از بهترین الهامهای موسمی را می‌توان در باراماسا (دوازده ماه)، تقویم عاشقانه، یافت که

می‌تابد. وقتی فاخته‌های افریقایی با تاجهای رنگارنگشان مهاجرت می‌کنند و طاووسها با صدای نازکشان فریاد سر می‌دهند، می‌فهمیم که موسم نزدیک است.

روستاییان روش خاص خود را برای پیش‌بینی موسم تابستانی دارند. می‌گویند هر چه گرما شدیدتر باشد، باران بیشتر می‌بارد. بارش باران را با شور و حرارت جشن می‌گیرند. بزرگسالان نیز مانند کودکان شتابان خود را به هوای آزاد می‌رسانند تا باران سر تا پایشان را بشوید. کالیداسا، شاعر قرن پنجم هند. موسم را چنین وصف کرده است، «ابرها چون پیلانی که میلشان جنبیده، عظیم و آکنده از باران پیش می‌آیند، به پادشاهانی می‌مانند که در میان صدای برهم خوردن اسلحه لشکرهایشان نزدیک می‌شوند، برچمشان آذرخش است و طبلشان رعد». این واقعه برای شاعر و آوازه‌خوان نیز به اندازه روستاییان اهمیت دارد. مینیاتورسازها توده ابرهای سیاه را در پرده‌های نقاشی خود به کار می‌گیرند. و برای شاعر انبوه سیاه گیسوان محبوب به توده منقلب ابرهای موسمی می‌ماند. در قرن ششم نیز سوباندھوی شاعر در واساواداتای خود به موسم درود می‌فرستاد:

«فصل باران فرا رسیده بود؛ رودخانه‌ها لیریز بودند؛ طاووسها با فرا رسیدن شب می‌رقصیدند؛ باران غبار را مانند زاهدی که نفس اماره را سرکوب می‌کند، فرو می‌نشانند؛ پرندگان چاتاکا شادی می‌کردند؛ آذرخشها مانند گورهای زورق



بارانهای موسمی در بمبئی. دور از انتظار، زیر چتر

مناطق اوتارپرداش و هاریاناست که زبانشان هندی است. «موسم که نباید قحطی می‌آید» گفته‌ای است که در ذهن تمام هندی‌زبانان برای خود جا باز کرده است. برای روستایی موسمی پدیده‌ای است که پیش‌بینی‌اش ممکن نیست. موسم ممکن است به منطقه‌ای پشت کند، منطقه دیگر را در سیل غرق‌کند و سومی را شکوفا سازد. بنا بر یک ضرب‌المثل قدیمی موسم ممکن است روی این شاخ گاو بیفتد نه آن. ممکن است خاکی را برکت دهد، ولی به خاکی دیگر التفات نکند و یا آن را نابود سازد. موسم در هر فصل شکلی نو به خود می‌گیرد.

انیس چونگ نویسنده و روزنامه نگار است و جزو هیئت تحریر سابق مجله هندی یوت‌تایمز (تایمز جوانان) بوده است. با نشریه‌های متعددی در هند و سرزمینهای دیگر همکاری دارد. آخرین اثرش هند بی‌حجاب یا سفر یک زن است که در سال ۱۹۸۷ انتشار یافته است. اکنون در نشریه تایمز آو ایندیا تهیه صفحه حوادث را به عهده دارد و مشغول نوشتن کتابی درباره زنان ۰. نمان هند است.

ترجمه ناهید فروغان

خیابان بمبئی غرق در سیلاب طی بارانهای موسمی که معمولاً روز ده ژوئن فرا می‌رسد. خبر تأخیرش در رأس عناوین روزنامه‌های مهم هند قرار می‌گیرد.

